

4842

منطق افعال گفتاری سنت‌های الهی

(فرآیند پدیدارشناسی دین در قرآن)

مؤلف

دکتر شمس‌الدین گودرزی بروجردی

سرشناسه	: گودرزی بروجردی، شمس الدین، ۱۳۵۳ -
عنوان و نام پدیدآور	: منطق افعال گفتاری سنت‌های الهی (تأیید پدیدارشناسی دین در قرآن) / شمس الدین گودرزی بروجردی؛ ویراستار اکبر جعفری
مشخصات نشر	: قم: نسیم کوثر، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۲۵۶ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۲۴۰-۳۶۶-۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
موضوع	: سنت الهی
موضوع	: Divine tradition*
موضوع	: سنت الهی -- جنبه‌های قرآنی
موضوع	: Divine tradition -- Quranic teaching
موضوع	: دین و قانون
موضوع	: Religion and law
رده بندی کنگره	: ۱۰۰۳۴ / ۱۳۹۷۹
رده بندی دیویی	: ۱۶۹.۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۴۶۲



انتشارات نسیم کوثر

قم - خیابان دور شهر (شهید فاطمی) - کوچه ۳۰ - فرعی ۴ - پلاک ۴۸
روابط عمومی: ۰۲۵-۳۷۷۳۴۳۷۷ دفتر فروش: ۸-۵۶۷-۳۷۸۳

شناسنامه:

- عنوان: منطق افعال گفتاری سنت‌های الهی
- مؤلف: شمس الدین گودرزی بروجردی
- ویراستار: اکبر جعفری
- ناشر: نسیم کوثر
- چاپ: سپید اندیشه
- نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۷
- تیراژ: ۲۰۰ نسخه
- قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان



www.ketab.ir

فهرست

۷.....	درآمد
۱۳.....	تقدمه

بخش اول: کلیات

۱۷.....	سنت و قانون و لغت
۱۸.....	سنت و قانون در مسیر
۲۰.....	منطق گفتاری قانون الهی
۲۳.....	منطق گفتاری قانون بشری

بخش دوم: منطق انسان گفتاری قوانین الهی در تاریخ انسان

۲۹.....	قانون کلی فرآیند معرفت سنت ای ثابت و عام حاکم بر تاریخ انسان
۴۸.....	منطق قانون فعل گفتاری حاکم بر سرنوشت انسان در تاریخ
۵۸.....	سراسر تاریخ سرنوشت انسان را منطق قانون سنت های طبیعت تشکیل می دهد

بخش سوم: منطق افعال گفتاری برخی از قوانین ثابت و عام الهی

۷۵.....	قانون خلق و خُلق
۸۳.....	قانون سببیت و حاکمیت
۹۰.....	قانون هدایت و ضلالت
۱۰۱.....	قانون ابتلاء و اختلاف
۱۰۱.....	قانون ظلم و عذاب (عمل و عکس العمل)
۱۱۴.....	قانون عام و ثابت عمل و عکس العمل
۱۲۰.....	قانون کار و تلاش
۱۲۶.....	قانون تنعم و زوال
۱۴۱.....	قانون قضا و قدر
۱۷۶.....	قانون امهال و استدراج
۱۸۴.....	قانون مکر

۱۹۸.....	قانون الهی در طلب دنیا و آخرت.....
۲۰۸.....	قانون رزق و روزی.....
۲۲۱.....	قانون قبض و بسط روزی.....
۲۲۲.....	قانون الهی در نرم خوئی و بد خوئی.....

پیوست قرآنی: برخی از سنت‌ها و قوانین ثابت و عام در قرآن

۲۳۱.....	قانون تنبیح بپیر حق و باطل.....
۲۳۳.....	قانون ابتلا و امتحان.....
۲۳۴.....	قانون ظلم و انصاف.....
۲۳۵.....	قانون اختلاف.....
۲۳۶.....	قانون اضداد.....
۲۳۸.....	قانون خوش گذرانی.....
۲۳۹.....	قانون طغیان.....
۲۴۰.....	قانون الهی در تغییر سنت‌های قوم.....
۲۴۱.....	قانون قضا و قدر.....
۲۴۴.....	قانون استدراج.....
۲۴۵.....	قانون مکر.....
۲۴۶.....	قانون طلب دنیا و آخرت.....
۲۴۸.....	قانون رزق.....
۲۵۰.....	قانون الهی در بد خوئی و نرم خوئی.....
۲۵۱.....	قانون هدایت.....
۲۵۳.....	قانون اضلال.....
۲۵۵.....	منابع.....

درآمد

«إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ»

ضمن تحیات وافر و عرض ادب به پیشگاه ولی امر و شما صاحبان خرد و اندیشه، سخنی چند در باب تأملات و یافته‌های خود به‌ر محور معرفت محض دینی پدیدار می‌گردد، و از همان زمان جوشیدن، سالیانی است - آنچه ناپیوسته - صورت مکتوب به خود گرفته است، بیان می‌کنیم.

بحث درباره یک نظام فکری به همان اندازه مشکل است که ولادت فرزند از مادر، از آن جهت که هرگونه تبیین در اندیشه، بازآفرینی پدیده‌هاست در قالبی تازه؛ و بازآفرینی روندی است که در آن موضوع‌ها با همان نظم منطقی و ضروری پیش می‌آید، دوباره - و این بار در قالبی دیگر - شکل می‌گیرند. پس آغاز بازآفرینی، بحث در مبانی و شالوده‌های منطقی است که به مثابه نطفه طفل اندیشه‌اند و چون بنیان‌های یک نظام فکری در دسترس نشود، هرگونه تبیینی درباره آن، مجموعه‌ای از دانسته‌های خام است که به هیچ روی نمی‌توان آن‌ها را در صورتی اندام‌وار تصویر کرد.

بنابراین شکل‌گیری دوباره اندیشه در مقام تبیین نیازمند بازگشت به پیشینه تاریخی (زندگی اندیشمند)، روانی و منطقی آن است. اما بررسی روان‌شناسی آن، به عهده ناظران بیرونی است، و بازگشت به پیشینه تاریخی، تا آن اندازه که به عهده خود صاحب اندیشه

است، مجالی فراخ‌تر می‌طلبد. پس در این نوشته به معرفی مفاهیم اساسی تأملات خود می‌پردازم که همچون شالوده‌های منطقی اندیشه‌های اینجانب است و تمامی ادعاها در همین قالب‌ها توجیه‌پذیر است.

بازگشت همه آنچه این بنده نوشته است به يك نظام تفکر و تعقل مراتبی است که هدف بهایی ولف در آن اثبات گزاره‌هایی است که حاکمیت و قدرت بی‌نهایت و ظهور صفات خدا را نشان می‌دهد. اما آشکار می‌کند، این صفات که در مراتب نزول و تجلی خود قالب اسماء را به خود می‌گیرند. معنای فیض پروردگارانند. و آن بار امانتی را که انسان نتوانست حمل کند او خود به وسیله اسماء به ظهور می‌رساند.

و اینکه در واقع اصلاح گر حقیقتی جامعه انسانی و رهاننده راستین انسان از چنگال جهل و خرافه و تاریکی‌های تو بر توی ضلالت و سلطان و پرده‌نیده نفس بشر به مراتب متعالی کمال از راه ترکیه و تعلیم، اسلام و عبودیت محض، خداوند است، که این حرکت تکاملی به صورت اختیار و انتخاب اصلح صورت می‌بندد و نه جبر و محک.

در این میان است که هدایت، حقانیت، رشد، غی، ربوبیت به عنوان پاره‌ای از مفاهیم بنیادین در تفسیر حاکمیت و قدرت خداوند و غایت دار بودن حرکت تاریخی انسان، تفسیر می‌شود و چگونگی تحقق هدایت‌گری خداوند در روند تاریخی ظهور صفات، معنا می‌یابد.

این تحمّل خداوند در آنجا نمایان می‌شود که در قرآن آشکارا انسان را به اوصاف چون ظلم، جهول، عجول و هلوع متّصف می‌کند. و ریشه خود این تحمّل باز در اوصافی چون رحمانیت، رحیمیت، فضل و لطف کاویده می‌شود، که بر این اساس خداوند طی سلوکی که انسان در تاریخ خود دارد به عنوان یار و راهبر او ظهور می‌یابد. این ظهور و جلوه با نزول صفات ذات خداوند در مراتب فرودست، تکررات طولی و عرضی پدید می‌آورد که برای هر

مرتبه‌ای از کثرات اسم و عنوانی شکل می‌گیرد. پس در واقع اسماء جلوه‌های گوناگون صفات خداوندی‌اند که بنیاد هستی بر آن‌ها استوار است. نکته اینجاست که کار کشف و ادراک این بنیاد را پدیده‌هایی ثابت و ابدی تحت عنوان سنت، میسر می‌کند. سنت‌ها اسبابی هستند که خداوند در ظهور صفات خود از آن‌ها به عنوان دست‌افزار تدبیر کار جهان استفاده می‌کند. تنها هستی محدود یکپارچه است که با تمام کثرات طولی و عرضی درون آن این رشته‌ها را محکم و گریزناپذیر میان اجزاء بی‌شمار آن ربط ضروری و منطقی برقرار کرده است.

بنابراین در سراسر طبیعت و زندگی انسان مجاری و قالب‌هایی وجود دارد که ظهور و نزول مراتب علم الهی و هرگونه پدید آمدن خرد و بزرگی در فرودست‌ترین مراحل نزولی در همان‌ها صورت می‌بندد، پس جهان هستی در چرخه‌های منظم، یکپارچه و از پیش مقدر شده حرکت می‌کند و جبر و اختیار در عین الهی و سایه کشف این سنت‌ها معنایی نو می‌یابد، سنت‌ها همانگونه که اشارت رفت بانی منطقی این جانب است و معتقدم که کشف سنت و قانون الهی تنها راه توجیه ربط و پیوند پدیده‌ها با یکدیگر است، بنابراین سنت‌ها به مثابه بنیان‌های جهان عینی اصولی هستند که ضرورت و سببیت روند هستی به ویژه تاریخ انسان را نمایان می‌کنند و به ما می‌فهمانند که چگونه این روند آغاز و تا اینجا کشیده شده است و اینکه اساساً چرا باید بدین صورت باشد و حالتی برتر از این بدین‌گونه درنیاید (نظام احسن).

قانون و سنت‌ها به عنوان اصول معرفت تنها از طریق دین دریافت می‌شوند. دین به عنوان منبع معرفت بازگوکننده این اصول است. دین عبارت است از مجموعه‌ای از اصول که بر مبنای آن‌ها جهان عینی تفسیر می‌شود. و معرفت دینی خود دانش‌هایی جزئی و محسوسی درباره پدیده‌های خرد و جزئی نیست، بلکه بینش و نگرشی است درباره هستی و درونمایه

زندگی انسان. علم شدن است و ترسیم‌گر راه‌های حرکت به سوی تعالی و قرب الهی در قالب همان سنت‌ها و قانون‌ها. از سویی این معرفت دینی هیچ‌گاه در تطابق کامل با دین نیست. بدین معنا که سنت‌ها به عنوان مجاری اسماء الهی بی‌کرانند و انسان در مرتبه انسانی خود هیچ‌گاه به پایان مرزهای این بی‌کرانگی نخواهد رسید، بلکه در هر زمانی و نسلی، پاره‌ای از این صحن ضرورتاً بر انسان‌ها آشکار می‌گردد و مرتبه‌ای از مراتب اسماء الهی ظهور می‌یابد.

معرفت دینی به عنوان معرفت نورانی و عرفانی تنها از دو طریق قابل اکتساب است.

۱ - تجربه باطنی (سیر انفسی): با دست‌افزار عقل نورانی حاصل می‌گردد. این عقل نورانی عقل پیوند خورده به عقل حیانی است که معرفت یقینی دینی را بلاواسطه از منبع وحی استخراج می‌کند و این پیوند خود انسان را تکمیل می‌دهد. عقل نورانی در سلوک خویش برای کشف حقیقت این اصول اندر پیوند زدن میان آیات قرآنی عمل می‌کند زیرا تنها مجرای عملکرد عقل تفسیر متشابه با محکم است از طریق وحی و ترتیب وحیانی آیات.

۲ - تجربه حسی (سیر آفاقی): با دست‌افزار عقل جزوی نیز عمل می‌کند، لکن این عقل به دلیل پشتوانه آیات قدسی، همچون دیگر عرصه‌های معرفت بدون دچار آفت وهم و ظن نمی‌شود. گرچه معرفت دینی حاصل از تجربه حسی در مرتبه‌ای فروتر از مکاشفات عقل نورانی است.

تأملات این بنده در معرفت دینی، طبیعت را در بر نمی‌گیرد، بلکه محدوده آن‌ها زندگی انسان و روند تاریخی آن است. و چون معتقدم که انسان موجودی پیچیده‌تر از طبیعت است برای همین قانون حاکم بر آن نیز بیشتر و تو بر تو تر از طبیعت است، پس اگر انسان موفق به کشف قانون حاکم بر خویش شود عمیق‌ترین نظام معرفتی را دریافته است (نظام احسن)

قانون‌هایی که دست‌افزار تدبیر کار جهان و قالب‌های ظهور اسماء خداوندند. بنابراین انسان‌شناسی نه تنها شناخت پیچیده‌ترین موجود محسوس و عینی است، بلکه گذرگاه ورود به خداشناسی است و از سویی کشف سنت‌های حاکم بر روند تاریخی انسان، نقد گذشته و وضع موجود انسان را میسر می‌کند و آن قسم از معرفت دینی را که شامل ترسیم راه‌های رشد و تعالی است به دست می‌دهد.

بر اساس این نوع نگاه به دین، معرفت دینی، اصولی بنیادین در تبیین پدیده‌ها (سنت‌ها) است. و به علت اهمیت انسان‌شناسی است که تمام همت این بنده صرف کوشش در راه کشف قانون‌های حاکم بر انسان شده است.

تاریخ انسان مانده هر پدیده دیگری علتی غایی دارد و من معتقدم یافتن این غایت هم مبدأ آن را مشخص می‌کند، هم ضرورت روند آن را. پس غایت بهترین و گسترده‌ترین بعدی است که می‌توان هر شیء را از منظر آن مشاهده کرد و تفسیر غایی از تاریخ چنین وسعتی در نظرگاه ما به تاریخ پدید می‌آورد. پس آنجا که تاریخ انسان همچون طبیعت، به پشتوانه این قانون‌های جبری و حتمی در حرکت به سوی غایت خویش است، هر کس بخواهد در برابر حرکت رو به رشد این دستگاه عظیم، متحرک و پییده و دقیق بایستد زیر چرخ اربابه‌های آن لگدکوب می‌شود، زیرا سنت‌های تاریخ بر مبنای حرکت الهی، مصلحت بشری و عرف انسان شکل گرفته‌اند و قدرت این سه عنصر بر هیچ محتق‌ی صدق‌ی پوشیده نیست به طوری که با دقت و تعمق در سیر حرکت تاریخ این مهم محسوس و قابل درک است.

در این سیر آنچه را که خدای تاریخ بخواهد محو و نابود می‌کند و آنچه را بخواهد برقرار نگه می‌دارد و این همه بسته به حکمت الهی است که با لطف بی‌کران خود، هر کس را به تناسب شاکله و معرفتش به هدایت ویژه خویش می‌رساند، یا گمراه و محو و نابود

می‌گرداند. و بر این اساس هدایت‌گری و ضلالت‌گری خداوند در پرتو هدایت قریب و بعید معنا می‌شود.

از آنچه بیان شد می‌توان نتیجه گرفت که مفاهیمی چون سنت [قانون]، حکمت، مصلحت، عرف، اسما، صفات، ظهور، مرتبه، هدایت، ضلالت، رشد، غی، دین، معرفت، یحیی و حمایت اصولی هستند که این بنده بر مبنای آن‌ها به اثبات مدعای خویش می‌پردازم و در رشته‌هایم تلاش بر این بوده که برخی از سنت‌های بنیادین الهی را که در آیات قرآن آمده مطرح کنم و در این راه جمع‌آوری و ذکر بعضی از قانون‌های اصولی را پیش درآمدی برای ورود به بحث قرار دادم. البته این مطالب مکتوب دست‌نوشته‌هایی یادداشت‌گونه‌اند که حکم مواد خام برای ساخت و پرداخت کالای اندیشه را دارند و لازم است که صورت نظم منطقی و تدوین علمی و مستند به خود بگیرند. ناامنده در کار مُحَقِّق ساختن این نیت است. امیدوارم ان‌شاءالله به توفیق الهی و عناایت ویژه ولی امر آن‌ها را به صورت مدوّن تدوین نمایم.

والسلام علی من‌آلله الصالحین

شمس‌الدین گودرزی بروجردی

۹۶/۷/۱۱

مقدمه

قبل از شروع بحث لازم است تا متمدناتی در مورد قانون الهی و بشری و قانون ثابت و متغیر و اسباب و اسباب آن بیان کنیم و چگونگی حاکمیت آنان را توضیح دهیم، تا طی طریق پلکان شریعت و معارف آسان تر شود و سنگینی بار امانت به سبکی و عاری از درد و رنج با صبر و حوصله تحمل شود. شاید که ان شاء الله مشکل این همه بداندیشی ها و کج فهمی ها و انحرافات عقیدتی و معرفتی که برای انا هب و ملت ها در طول تاریخ اندیشه انسان به وجود آمده حل شود، و از این بعد اندیشه ها و فهم ها در طول تدبیرات و سنت ها و قانون الهی بیاندیشند و بیاموزند و خرد را با برنامه ثابت و متغیر سنت های حاکم بر سرنوشت بشری وفق دهند و توان و طاعت الهی طریقت حقیقت را داشته باشند. در غیر این صورت به انحرافات و ناکجا آبادها سیر خواهند کرد و روز به روز بر حجاب ها و غم های معرفتی آن ها اضافه خواهد شد و در این وادی سیگنال به بن بست ها برخورد خواهند کرد و راه به جایی نخواهند برد، چرا که بشر با این عقل مغلوب و نفس معیوب و هواهای غالب هرگز منهای قانون ربوبیت خدا و بدون توجه به معارف و حکمت های قانون الهی توان و طاعت تفسیر و تبیین قانون حاکم بر تاریخ زمان گذشته و حال و آینده را ندارد، چون محدود و محکوم به زمان و عرف سنت های بشری حاکم بر زمان خویش است و هر نوع تفسیری که منهای آیات خدا بکند، محکوم

به رسوم و شیوه‌ها و عادت‌های حاکم بر خود و قوم خود و بر اساس آن معارف اکتسابی و تعلیمات نسبی عرف حاکم بر اندیشه‌های قوم، اعمال نظر و سلیقه و عقیده می‌کند.

www.Ketab.ir